

مقدمه

دانش عرفان را، با همه ابعاد و شاخه‌های آن می‌توان یکی از بزرگ‌ترین و افتخارآمیزترین تراث علمی مسلمانان دانست. این دانش با بسیاری از ابعاد زندگی مسلمانان گره خورده است. فلسفه، فقه، کلام، سیاست، اقتصاد و فرهنگ جوامع اسلامی، هر یک به‌نوعی با عرفان و مباحث عرفانی مرتبط‌اند. دانش عرفان نیز همچون همه دانش‌های دیگر، در فرایند تاریخی خود از مسائل داخلی و نحله‌های خارجی متأثر بوده است؛ در عین حال، عرفان اسلامی از اصیل‌ترین و ریشه‌دارترین دانش‌های اسلامی است.

یکی از ویژگی‌های عرفان اسلامی، در مقایسه با دیگر دانش‌ها این است که از بدو پیدایش خود تاکنون همواره مبتلا به حامیان افراطی و متعصب، و مخالفان تفریطی و متصلب بوده است. همواره بوده و هستند کسانی که در دفاع از عرفان، کار را به جایی رسانده‌اند که هیچ نقدی را بر هیچ آموزه‌ای از آموزه‌های عرفانی یا هیچ صوفی یا عارفی برنتافته و عرفان و عارفان را فراتر از عصمت پنداشته‌اند. از طرفی نیز همواره بوده و هستند کسانی که هیچ حقیقتی در هیچ آموزه‌ای از آموزه‌های عرفانی و هیچ نقطه مثبتی در زندگی صوفیان و عارفان ندیده‌اند! نادرستی این دو نگاه، به اثبات و استدلال نیاز ندارد. هر دوی آنها معلول حب و بغض‌های غیرواقع‌بینانه‌اند. به نظر می‌رسد در چنین فضایی، نگاه بی‌طرفانه و محققانه به تراث عظیم عرفانی مسلمانان، از ضرورت‌های زندگی علمی در دوران کنونی است. ما مجاز نیستیم چشم خود را بر خوبی‌ها و زیبایی‌های موجود در عرفان و سیره عارفان ببندیم و خود را از آن همه تجربیات علمی و عملی محروم سازیم؛ همان‌گونه که مجاز نیستیم کورکورانه همه آموزه‌های موجود در عرفان را بپذیریم. اصولاً فراتر از نقد پنداشتن عرفان و عارفان، نه تنها خدمت به آنها نیست، که موجب رکود علمی و بی‌رونقی این دانش خواهد شد. تردیدی نیست که طرح نقدهای بنیادین و کلیدی، و وجود ناقدان سرسخت در هر شاخه‌ای از دانش موجب رونق علمی در آن حوزه خواهد شد.

عرفان اسلامی در گذر قرون متمادی، ابعاد و شاخه‌های مختلفی پیدا کرده است؛ اما خاستگاه تمام مباحث متنوع و ابعاد گوناگون آن، عرفان عملی است. حرکت اصلی عرفانی در طول تاریخ اسلام، بر پایه مباحث عرفان عملی بود. عرفان نظری و هستی‌شناسی و انسان‌شناسی عرفانی، تا پیش از ابن عربی به‌صورت استطرادی در لابه‌لای مباحث عرفان عملی مطرح می‌شد. به همین دلیل، شناخت عمیق عرفان عملی، در حقیقت، شناخت مادر همه مباحث و ابعاد عرفانی است.

سخنی درباره کتاب پیش رو

محور اصلی مباحث عرفان عملی، بحث منازل و مقامات سلوکی است. ما در این کتاب، که حاصل چند دوره تدریس این جانب در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتراست، قصد نداریم مستقیماً در این موضوع بحث کنیم؛ بلکه به دنبال تبیین و تحلیل پاره‌ای مباحث مقدماتی و مبنایی در این باره‌ایم. مباحثی چون آشنایی با سیر تاریخی عرفان عملی و شخصیت‌های برجسته این شاخه علمی و آشنایی با مهم‌ترین منابع آن، به‌منزله مباحث مقدماتی، و مباحثی از قبیل رابطه سه‌گانه «شریعت، طریقت و حقیقت»، «کثرت‌گرایی سلوکی»، «کرامات و کارهای خارق‌العاده»، «مکاشفات عرفانی»، «چیستی سلوک معنوی»، «چرایی سلوک» و تبیین

چند تحلیل از دیدگاه خواجه‌عبدالله انصاری دربارهٔ «چگونگی سلوک»، به‌منزلهٔ مباحث مبنایی در این کتاب کانون بحث قرار گرفته‌اند. بر این اساس، کتاب پیش رو در هشت فصل، به شرح زیر، سامان یافته است:

فصل اول آن با موضوع چیستی عرفان عملی، مشتمل بر مباحثی از قبیل اهمیت و جایگاه عرفان عملی و تفاوت آن با عرفان نظری، همچنین رابطهٔ آن با دانش اخلاق، و درنهایت، جایگاه سیروسلوک در معارف اسلامی است.

در فصل دوم به ادوار تاریخی و شخصیت‌های مهم عرفان عملی پرداخته‌ایم و سیر عرفان عملی را در پنج دورهٔ تاریخی کاویده‌ایم.

در فصل سوم، با عنوان «آشنایی با منابع عرفان عملی»، کتاب‌شناسی دقیقی از معتبرترین منابع عرفان عملی در عالم اسلام به دست داده‌ایم. در معرفی کتاب‌ها کوشیده‌ایم بخش‌های مربوط به منازل و مقامات را معرفی کنیم.

فصل چهارم، با عنوان «شریعت، طریقت و حقیقت» به تحلیل رابطهٔ این سه‌گانه می‌پردازد. این بحث، یکی از سرنوشت‌سازترین مباحث و مبانی عرفان عملی است. دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه مطرح شده است که در این فصل به بررسی و نقد آنها و نیز عرضهٔ دیدگاه مورد قبول پرداخته‌ایم.

فصل پنجم به بررسی و نقد نظریهٔ «کثرت‌گرایی سلوکی» می‌پردازد و می‌کوشد ضمن تبیین این دیدگاه، بطلان و نادرستی آن را نشان دهد.

فصل ششم، با عنوان «کرامات و کارهای خارق‌العاده و مکاشفات عرفانی» به مباحثی همچون تفاوت کارهای خارق‌العادهٔ عرفا با سحر و جادو و کارهای مرتاضان، انواع کرامات اولیا، رابطهٔ انجام کار خارق‌العاده و حقانیت و درستی رفتارها و سخنان افراد، همچنین مباحث متنوعی دربارهٔ مکاشفات عرفانی، انواع مکاشفات صوری و معنوی و معیار درستی مکاشفات می‌پردازد.

فصل هفتم، به چیستی و چرایی سیروسلوک عرفانی می‌پردازد و بدین منظور به مباحث حضرات خمس و اسفار اربعهٔ معنوی، به‌منزلهٔ مقدمات و اصول موضوعهٔ این بحث، پرداخته است.

فصل هشتم، واپسین فصل کتاب، دربارهٔ چگونگی سیروسلوک معنوی یا مقامات و منازل سلوکی است. در این فصل ضمن تعریف حال و مقام، به اختلافات پژوهشگران در تعیین شمار منازل و ترتیب میان آنها اشاره، و چرایی این اختلافات تحلیل شده است. در ادامه نیز دیدگاه خواجه‌عبدالله انصاری با تکیه بر تفسیرهای ملاعبدالرزاق کاشانی و سعیدالدین فرغانی تبیین شده است.

احمدحسین شریفی

عضو هیئت علمی گروه فلسفه

مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

رمضان المبارک 1433

مصادف با 16 مرداد 1391